

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فیش منبر

اندیشه‌های اقتصادی امام رضا

علیه الصلاه و السلام

کانال فیش منبر و مرثیه در ایتا

<https://eitaa.com/fishemenbar>

سایت طلبه یار = <http://www.talabeyar.ir>

- اکار و تلاش

کار و کوشش، قانون عام آفرینش برای شکوفایی اقتصادی و دست یابی به اهداف و آرزوهای بلند است. خداوند در این باره هیچ بخلی نورزیده است. هر که این قانون را به درستی به کار گیرد، دنیای او رونق می گیرد و شکوفا می شود؛ اگرچه بر آیینی جز آیین اسلام باشد. در مقابل، هر که از این قانون مهم، غفلت کند و آن را نادیده انگارد و وانهد، دچار تنگنا، عقب ماندگی و تهی دستی خواهد شد؛ اگرچه مسلمانی شیعی و دارای مکتب «اثنی عشری» باشد و گرچه شب و روز خویش را به دعا و توکل و عبادت سپری کند.

امام رضا(ع) به خوبی از این قانون آگاه بود، چنان که سامان بخشیدن به دنیای انسان ها را در گرو پای بندی به این قانون می دانست. در نتیجه، آنها را به کار و کوشش فرامی خواند. احمد بن ابی نصر بزنطی می گوید: «به امام رضا(ع) گفتم: کوفه به من نمی سازد و زندگی در آن همراه با مضیقه است. زندگی ما در بغداد بود و در آنجا در روزی بر مردم گشاده است. حضرت فرمود: «اگر می خواهی بیرون بروی، برو؛ چرا که امسال، سال آشفته ای است و مردمان را چاره ای جز طلب روزی و کوشش برای

به دست آوردن معیشت خوب نیست. پس طلب و کوشش را برای به دست آوردن امکانات زندگی از دست مده. [۱]»

از دیدگاه امام رضا(ع)، ارزش معنوی کار چنان است که مقام کارگر را فراتر از مقام مجاهدین فی سبیل الله (جهادگران در راه خدا) می داند و می فرماید: «انَّ الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ يَكْفُ بِهِ عِيَالَهُ، أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ آن که با کار و کوشش، در جست و جوی مواهب زندگی برای تأمین خانواده خویش است، پاداشی بزرگ تر از مجاهدان راه خدا دارد. [۲]»

«تنها تن آدمی نیست که به کار نیاز دارد، بلکه رشد روح او و قوای معنوی و فکر و فرهنگ و تربیت او نیز بستگی به کار دارد و بی کاری، بر معنویت آدمی نیز آثاری زیان بار می گذارد. اگر آدمی، هر چه را که نیاز دارد، در اختیار داشت و طبیعت، آماده و ساخته پرداخته به او می داد و در نتیجه، اوقات خود را پیوسته به بی کاری و فراغت می گذراند، به فساد و تباهی کشیده می شد و ناگزیر نیرو و انرژی خود را در راه هایی صرف می کرد که به نابودی خود و هم نوعانش می انجامید. [۳]»

۲- پرهیز از اسراف

اسراف، سرگرانی با خداوند و نعمت های اوست. آن که در به دست آوردن حتی لقمه ای نان، «ابر و باد و مه و خورشید و فلک» و ده ها عامل پیدا و پنهان دیگر را مؤثر می داند، هرگز اسراف نمی کند. در حقیقت، اسراف، پشت پا زدن، بی توجهی و بی حرمتی به همه عوامل یاد شده است.

هرگز شکوفایی و رونق اقتصادی، با اسراف و هدر دادن بیهوده اموال امکان پذیر نیست، و هرگز شخص و ملت اسرافکار، به رشد اقتصادی نخواهد رسید. از این رو، اسراف، آفت کار نیز به شمار می آید، زیرا آن که هم کار می کند و هم اسراف، مانند آن است که در صندوقی که ته ندارد، پول می ریزد و بدیهی است ثروتی برای او اندوخته نخواهد شد و پیشرفتی نخواهد کرد.

اسراف، عامل اصلی فقر و تهی دستی نیز به شمار می رود. از دیدگاه عرفانی، نعمت های پروردگار ادراک و شعور دارند و آنگاه که بی توجهی فرد را به خود حس کنند، رخت بر می بندند و فرد را از نعمت ها محروم می کنند. در مقابل، اگر از انسان توجه، احترام و ارزش ببینند، نه تنها مهمان سفره زندگی او خواهند شد، بلکه نعمت های دیگر را نیز به سوی خویش فرامی خوانند. در نتیجه، نعمتی بر نعمت شخص افزوده می شود.

با توجه به آنچه گفته شد، امام رضا(ع) تباه سازی اموال را پدیده ای ناپسند می داند، دوستان و پیروان خویش را از این پدیده نامبارک باز می دارد و می فرماید: «انَّ اللَّهَ يَبْغِضُ... اِضَاعَةَ الْمَالِ؛ خداوند، تباه سازی اموال را دشمن می دارد» [۴]. گفتنی است تباه کردن اموال و تضييع آنها که در این روایت آمده، مفهوم گسترده ای دارد و هر نوع تباهی و نابودی و فساد در اموال را شامل می گردد. تباهی و تضييع، ممکن است بر اثر علت هایی چند پدید آید که از جمله آنها عبارتند از: اسراف کاری و مصرف بیش از اندازه، بی اطلاعی و نبود تخصص و مهارت در مدیریت های مالی، کوتاهی و سهل انگاری در به کارگیری اموال و مانند آنها که موجب می شوند تا سرمایه زندگی تباه شود و موجب فقر و تهی دستی گردد و حتی سیر و حرکت معنوی انسان نیز دست خوش تزلزل شود. با توجه به کلیت سخن امام رضا(ع) اگر در امور اقتصادی و مسائل مالی، برنامه ریزی درست و حساب شده ای انجام نگیرد، تضييع مال خواهد بود و اگر در داد و ستدها نیز دقت لازم به کار نرود و غبن صورت گیرد، اموال، تباه خواهد شد.

[۵] «از این رو، امام رضا(ع) هدر دادن و تباه ساختن اموال را، مصداقی از فساد دانسته و فرموده است: «مِنَ الْفَسَادِ قَطْعُ الدَّرْهِمِ وَ الدِّينَارِ وَ طَرْحُ النَّوَى؛ تکه تکه کردن درهم و دینار (یا هر پولی دیگر) و دور افکندن

هسته خرما (که ممکن است بذر نخلی در آینده شود)، از جمله کارهای فاسد و نادرست است. [۶]»

۳- میانه روی در مصرف

از فضیلت های مهم اخلاقی، میانه روی در همه کارها به ویژه میانه روی در مصرف است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ؛ در رفتارت میانه رو باش!» (اسراء: ۲۹) همچنین در آیه ای دیگر می فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛ و آنان که چون انفاق می کنند، اسراف نمی ورزند و خست نمی کنند، بلکه میان این دو، راه اعتدال و میانه را برمی گزینند.» (فرقان: ۶۷)

در اهمیت میانه روی و ناروا بودن افراط و تفریط همین بس که افراط و تفریط، از نشانه های نادانی شمرده شده و حضرت علی (ع) فرموده است: «لا تری الجاهل اماً مفراطاً او مفرطاً؛ نادان را نبینی جز آنکه یا افراط می کند یا تفریط [۷]». شیخ محمود شبستری در این باره زیبا سروده است:

همه اخلاق نیکو در میانه است

که از افراط و تفریطش کرانه است

میانه چون صراط مستقیم است

ز هر دو جانبش قعر جحیم است

از دیدگاه امام هشتم(ع) هم کسی که در مصرف، به خود و خانواده خود سخت می گیرد و در مصرف، خست می ورزد، از جاده مستقیم بیرون است و هم آن که اسراف کرده و زیاده روی می کند. امام رضا(ع)، هر دو شیوه را ناپسند می شمارد. یکی از یاران امام هشتم(ع) می گوید: از امام رضا(ع) درباره چگونگی تأمین مخارج خانواده جويا شدم. فرمود: «مخارج خانواده، حد وسط است میان دو روش ناپسند». گفتم: «فدایت شوم، به خدا سوگند! نمی دانم این دو روش چیست؟ فرمود: «دو روش ناپسند، اسراف و خست است. آیا نمی دانی که خداوند بزرگ، اسراف (زیاده روی) و اقتار (سخت گیری) را ناخوشایند می دارد و در قرآن می فرماید: «آنان که هر گاه چیزی ببخشند، نه زیاده روی می کنند و نه خست می ورزند و میانگین این دو را در حد قوام برمی گزینند.» [۸]

«از دیدگاه امام رضا(ع)، تصرفات شخص در اموال خویش، محدود است؛ یعنی این گونه نیست که حال که اموال انسان، ملک اوست و به وی تعلق دارد، بتواند در آنها هر گونه که خواست، تصرف کند، بلکه تصرف او باید در حد میانه و متعادل و به دور از اسراف و خست باشد. او هم اجازه ندارد

که خست ورزد و در مصرف بر خود سخت گیرد و هم مجاز نیست که اموال خویش را ریخت و پاش نماید. امام رضا(ع) در پایان سخن خویش به کلام خداوند استدلال فرمود که در آن واژه «قوام» آمده است. مقصود از قوام؛ یعنی آن استواری و اقتصادی که موجب سامان یافتن زندگی همه افراد می شود که در آن، نه کسی محروم ماند و نه کسی بی حساب برخوردار گردد. روشن است که هر چیز آنگاه می تواند عامل «قوام» باشد و زمینه استواری چیز دیگری را فراهم آورد که در موضع مناسب خود قرار گیرد و موضع مناسب، همان حد میانه و دور بودن از اسراف و خست است. اسراف و اقتار (خست) که دو سوی حد میانه است، ضد قوامیت مال است؛ یعنی مایه قوام و سامان یابی فرد و جامعه نیست، بلکه همین مال که عامل بقا و قوام است، در حال افراط و تفریط، عامل تباهی و هلاکت فرد و جامعه خواهد بود. بقاء و دوام و قوامیت، در حد میانه و اعتدال است. [۹]

گشته است در میانه روی، عمر ما تمام

ما از پل صراط همین جا گذشته ایم

(صائب)

۱۴- امام رضا(ع) و هشدار درباره فقر

هیچ یک از اهل بیت(ع) پیروانشان را به فقر و تهی دستی فرا نخواندند؛ چرا که فقر، به طور طبیعی می تواند سرچشمه بسیاری از غصه ها، لغزش ها و تبه کاری ها باشد. «بررسی مشکلات اجتماعی و سبب جویی نابسامانی ها روشن می سازد که فقر، اساس بسیاری از مشکلات اجتماعی و نابسامانی های زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی است. تردید نیست که انسان در این زندگی، در کالبدی جای دارد که از مواد طبیعی تشکیل یافته است و با اشیایی سر و کار دارد و در فضایی زندگی می کند که به وسایل و کالاهای مادی نیازمند است. غذا، لباس، مسکن، نظافت و بهداشت، همه در طبیعت این زندگی و لازمه تداوم حیات انسانی است و نبود یا کمبود هر یک از این امور، ناتوانی، بیماری و فرسایش و پیری زودرس را در پی خواهد داشت. [۱۰]» بر همین اساس است که امام رضا(ع) فرمود: «الْمَسْكَنَةُ مُفْتَا حُ الْبُؤْسِ؛ بینوایی و فقر، کلید بدبختی و بیچارگی است [۱۱]». آن حضرت در سخنی دیگر به نقش معیشت کافی در آرامش روحی و روانی انسان این گونه اشاره می فرماید:

«انَّ الْإِنْسَانَ إِذَا ادَّخَرَ طَعَامَ سَنَّتِهِ، خَفَّ ظَهْرُهُ وَ اسْتَرَّاحَ؛ چون آدمی خوراک سال خویش را ذخیره کند، بارش سبک می شود و آرامش می یابد [۱۲]». و باز از آن حضرت روایت شده است: «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا؛

برای دنیایت چنان عمل کن که گویا برای همیشه زنده ای [۱۳]». شهید مطهری نیز در این باره می گوید: «پیغمبر اسلام، با هر نوع گداصفتی و کلاشی سخت مبارزه کرده است. « پیغمبر اکرم(ص) فرمود: «در کار دنیای خودتان مصلح باشید!»؛ مصلح باشید، غیر از این است که پول پرست باشید؛ یعنی کار صحیح و درست بکنید و دنیای خودتان را به سامان بیاورید و البته نسبت به آخرتتان نیز آنی غفلت نکنید. [۱۴]»

«به هر حال، مسئله اقتصاد، مسئله ای ساده و بی اهمیت یا کم اهمیت نیست. دین داری و معنویت، بقا و عزت، سربلندی، حماسه و اقدام، عفت و اخلاق، هنر و فرهنگ، امید و تکاپو و شورآوری و سازندگی هر جامعه ای بستگی دارد به چگونگی نظام اقتصادی آن جامعه، حتی باید اعتراف کرد که بروز شایسته نبوغ و استعداد نسل ها، در شعبه های گوناگون علم و صنعت و اختراع و هنر و فکر و تعقل، متوقف است بر جو اقتصادی سالم. در جو سالم اقتصادی است که یک متفکر می تواند درست بیندیشد و یک جراح، عمل دقیق خود را به خوبی انجام دهد و یک هنرمند، بیافریند و یک اخلاقی، تربیت کند [۱۵]» . . . امام رضا(ع) در حدیثی دیگر می فرماید: «اِذَا اَقْبَلْتَ الدُّنْيَا عَلٰی اِنْسَانٍ اَعْطَتْهُ مَحَاسِنَ غَيْرِهِ وَ اِذَا اَدْبَرْتَ عَنْهُ سَلَبَتْهُ مَحَاسِنَ نَفْسِهِ؛ هر گاه دنیا [و دارایی] به انسانی روی آورد، نیکی های

دیگران را [نیز] به او می دهد و هر گاه به کسی پشت کند [و او فقیر شود]، نیکی های خودش را [هم] از او می گیرد. [۱۶]»

«در توضیح این حدیث باید گفت: زندگی انسان به شخصیت او بستگی دارد و پایگاه و محور اصلی اثر گذاری و نقش آفرینی هر کس، کیان، منش و شخصیت اوست. از این رو، نفی شخصیت، بسیار زیان بارتر از نفی شخص است. در این سخن، فقر، عامل نفی شخصیت شمرده شده است که انسان فقیر دچار آن می شود و بر اثر آن ویژگی های مثبت خویش را از دست می دهد [۱۷]». در حالی که از آن سو، دارایی و تمکن مالی می تواند در شخصیت سازی انسان چنان اثر گذار باشد که او را از نیکی های اخلاقی دیگران نیز بهره مند کند.

۵- تخصص مداری در سخنان امام رضا(ع)

در آموزه های دینی، به موضوع تخصص در کار و حرفه بسیار توجه شده است. در قرآن کریم آمده است: آنگاه که یوسف(ع) به عزیز مصر می گوید: «اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ؛ مرا بر خزائن این سرزمین بگمار!» از تخصص و آگاهی خویش در این باره می گوید و می فرماید: «أَنْتِي حَفِيظٌ عَلِيمٌ؛ همانا من نگاهبانی [امین] و [کاردانی] آگاه [به این کار] هستم.»

(یوسف) ۵۵: تخصص نداشتن در کار سبب می شود که کار، خوب صورت

نگیرد و در نتیجه زیان های فراوانی به بیت المال، اقتصاد مسلمانان و اقتصاد خود شخص وارد شود. پیشرفت و شکوفایی اقتصادی در گرو تخصص و مهارت است و شخص در صورت ناآگاهی و تخصص نداشتن در کار و حرفه خویش، نه تنها پیشرفت نخواهد کرد، بلکه دچار رکود و عقب گرد خواهد شد. امام رضا(ع) افراد را از سپردن کارها به دست افراد بی تشخیص و ناوارد بازداشته و این مسئله را جزئی از اسلام خالص دانسته و فرموده است . . . «:الْبَرَاءَةُ مِمَّنْ نَفَى الْأَخْيَارَ... وَ آوَى الطُّرْدَاءَ اللَّعْنَاءَ... اَسْتَعْمَلَ السُّفَهَاءَ؛ [جزو اسلام خالص است]، بیزار بودن از کسانی که نیکان را تبعید کردند و کسانی را که باید رانده می شدند، در مرکز اسلامی پناه دادند و کم خردان [ناآگاهان و غیرمتخصصان] را به کار گماردند. [۱۸]»

«امام رضا(ع)، نابسامانی، بی عدالتی، تبعیض، فقر، محرومیت و مشکلات جامعه اسلامی را به عللی نسبت می دهد که از آن جمله: به کار گماردن جاهلان و اشخاص سفیه و ناآگاهان است. بنابراین، به کار گماردن کسانی که از نظر فکر و فن اداره جامعه و تدبیر امور مالی و مدیریت اقتصادی و دیگر مسائل اجتماعی، تخصص های لازم را ندارند، باعث عقب ماندگی، نابسامانی، فقر و محرومیت خواهد بود. [۱۹]»

«بی گمان، مهارت، توانایی و معلومات تخصصی هر فرد در واقع، به مثابه دارایی و ثروتی است که در اختیار اوست و همان طور که دارایی را با توجه به بازده آن در فعالیت های اقتصادی به کار می اندازند، باید از مهارت و استعداد و معلومات تخصصی نیز به گونه ای در فعالیت های اقتصادی استفاده کرد. اگر فردی هزار واحد از پولی را که در اختیار دارد، با نرخ بهره ۱۲ درصد در سال قرض دهد، در پایان سال مالی دارای ۱۱۲۰ واحد پول خواهد شد؛ یعنی سود وام دهی او ۱۲ درصد است. حال اگر او به جای قرض دادن، این مبلغ را مثلاً برای آموزش حرفه ای خاصی صرف کند و در نتیجه آن تخصص، صاحب درآمد بیشتری شود و در پی آن، به ۱۴ درصد بازده برسد، گفته می شود که تخصص، بازده بیشتری برای او داشته است تا مثلاً قرض دادنی که البته سود حاصل از آن، اشکال شرعی نیز دارد.» [۲۰]

کارها چون به دست اهل افتد

مشکلات حیات، سهل افتد

(شهریار)

می باش طیب عیسوی هُش

اما نه طیب آدمی کش

می کوش به هر ورق که خوانی

کان دانش را تمام دانی

پالان گری به غایت خود

بہتر ز کلاه دوزی بد

(حکیم نظامی گنجه ای)

۶- ثروتمندان و گشودن گره های مالی از کار تهی دستان

در هر جامعه ای، برخی آدمیان از بدی حادثه تهی دست شدند و در تنگنای مالی قرار گرفتند. این وظیفه توانمندان و ثروتمندان است که گره از کار فروبسته آنان بکشایند و به آنها توان اقتصادی ببخشند، تا با خیالی آسوده، به زندگی خویش ادامه دهند. امام رضا(ع) یکی از فلسفه های تشریح «زکات» را استفاده آن در همین موارد می داند و در مقام تبیین حکمت وجوب زکات می فرماید: «خداوند مردمان تندرست را مکلف کرده است تا به کار مردم زمین گیر و گرفتار رسیدگی کنند. [همچنین، پرداخت زکات موجب برکت مال و سبب رأفت و مهربانی به ناتوانان و

توجه به مسکینان و انگیزش مردمان به مساوات و تقویت فقرا و یاری رساندن به آنها در انجام دادن تکالیف دینی است. [۲۱]»

«آنچه از مجموعه آیات و روایات رسیده درباره زکات و حکمت تشریح آن به دست می آید، این است که چنین قانونی، در مهم ترین هدف خود، برای از بین بردن فقر و عوارض آن از عرصه های زندگی به صورتی فراگیر است که در نتیجه آن، سیمای جامعه از فقر به بی نیازی تحول می یابد و دیگر در آن، بیچاره و نیازمندی مشاهده نمی شود و همه اهل ایمان و دارای عزت هستند. همچنین، زکات، وسیله عمده ای برای عادت دادن مردم به بخشیدن و انفاق کردن است تا آنجا که این امر، بدان منجر شود که در راه دین خدا از بذل جان خود نیز مضایقه نکند. نباید از نظر دور داشت که میان قرب به خدا و عبادت او در نماز و میان بخشیدن مال برای برانداختن فقر و بیچارگی از جامعه اسلامی، ارتباطی نیرومند و استوار وجود دارد. پس زندگی اسلامی، زندگی ای است که اجزای آن از یکدیگر منفصل نمی باشد. از این رو، نماز با زکات قبول می شود و زکات، با نماز به درگاه خدا راه می یابد و ایمان و یقین، با پرداخت زکات شناخته می شود. [۲۲]»

امام رضا(ع) در حدیثی دیگر، بیزاری از کسانی که اموال را تنها میان ثروتمندان به گردش درمی آورند و انحصار طلب و زراندوز هستند، جزو ایمان ناب دانسته است» [۲۳]. در حقیقت، این از ویژگی های حاکمیت اسلامی است که در آن، جریان و گردش ثروت، به نفع عموم مردم باشد، نه گروهی خاص از وابستگان و زراندوزان. اندیشه و شهید، آیت الله دکتر بهشتی که طرح «تعاون» و «تعاونی ها» را در قوانین کشوری گنجانده، برای ارائه راهکاری بود که به تدریج، ثروت ها در دست عموم قرار گیرد و همگان از آن بهره ببرند و مالکیت ثروت های جامعه، عمومی گردد، نه خصوصی. این اندیشه، ریشه ای صددرصد اسلامی و الهی دارد؛ زیرا خداوند زمین و منابع آن را برای همه انسان ها آفریده است؛ نه بخشی خاص؛ و همه مردم، افراد خانواده خدا هستند، نه گروهی ویژه. [۲۴]»

۷- امام رضا(ع) و روان شناسی زراندوزان

زراندوزی و گردآوری بی حساب مال، از عوامل ایجاد شکاف طبقاتی میان افراد جامعه است. خداوند در قرآن کریم به زراندوزانی که هرگز با پول خود انفاق نمی کنند و گره های اقتصادی مردم و جامعه را نمی گشایند، وعده عذابی دردناک می دهد و می فرماید: «کسانی که زر و سیم را گنجینه کرده اند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، به عذابی دردناک بشارت

ده؛ روزی که آن [گنجینه]ها را در آتش بگذارند و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند. [و گویند:] این است آنچه برای خود اندوختید. پس [کیفر] آنچه را می اندوختید، بچشید!» (توبه: ۳۴ و ۳۵)

امام رضا(ع) در حدیثی زیبا به روان شناسی زراندوزان پرداخته و ریشه های زراندوزی را این گونه برشمرده است: «لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ الْإِبْخَصَالِ خَمْسٌ: بُبْخُلٍ شَدِيدٍ وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حِرْصٍ غَالِبٍ وَ قَطِيعَةَ الرَّحْمِ وَ إِثَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ مال جمع نمی شود مگر با پنج خصلت: بخل شدید، آرزوی دراز، حرص غلبه کننده، قطع رحم و مقدم داشتن دنیا بر آخرت. [۲۵]»

«پدیده شوم زراندوزی، از آفات روحی است که از خوی و خصلت، شیوه تفکر و اخلاق باطنی زشت سرچشمه می گیرد. از این رو، برای شناخت ماهیت این پدیده، حتی به عنوان موضوعی از موضوعات اقتصادی و مشکلی از مشکلات اجتماعی، باید به روان و باطن آدمیان توجه و انگیزه ها و علل درونی این آفت را بررسی کرد. همین موضوع، معیار تمایز بنیادین میان تفکر اسلامی و دیگر مکاتب است که از عوامل اصلی در تمام مسائل؛ یعنی خود انسان و گرایش های درونی او غافل نمی ماند. خوی و خصلت هایی که در این سخن رضوی(ع) یاد شده، نشان دهنده بی تعهدی و بی احساسی

به محرومان و بینوایان است که زیر پا نهادن اصول عدالت اجتماعی را در پی خواهد داشت.

بی گمان، مال اندوزی نکوهیده که انگیزه هایی شیطانی دارد، موجب درآمدهایی است که از راه های ظلم، استثمار، احتکار، تولید جنس بی کیفیت، غصب، رباخواری و مانند آنها به دست آمده است، نه از راه تولید و سرمایه گذاری های سازنده و کسب های حلال. [۲۶]»

نکته ای دیگر که از این سخن امام رضا(ع) دریافت می شود، اهمیت کار فرهنگی و اخلاقی در جامعه است. بر این اساس، برای ریشه کن کردن فقر و شکوفا ساختن اقتصاد جامعه، چاره ای جز رشد فرهنگی جامعه و اصلاح اخلاق مردمان وجود ندارد؛ زیرا اگر اخلاق در جامعه حکم فرما نباشد و انسان ها به رشد فرهنگی نرسند، روحیه ای زراندوز پیدا خواهند کرد. امام رضا(ع) زراندوزان را کسانی می داند که اصول اخلاقی را زیر پا نهاده اند. همچنین، بخیل و دارای آرزوهای دور و دراز و حریص هستند. بی گمان، آن که به رشد فرهنگی رسید و جان خویش را از خُلق و خوهای نکوهیده پیراست، هرگز انحصار طلب نیست، بلکه اهل انفاق و گشاده دستی خواهد بود. در نتیجه، به سهم خود در ریشه کن ساختن فقر در اجتماع و شکوفایی اقتصادی جامعه، نقش مؤثر خواهد داشت.

۸- تعیین مزد کارگر

از احکام و آداب اسلامی درباره کارگر آن است که مزد او پیش از انجام کار تعیین شود. این کار، افزون بر آنکه از درگیری احتمالی میان کارگر و صاحب کار بر سر قیمت در پایان کار جلوگیری می کند، اثر روانی مثبتی نیز بر روحیه کارگر خواهد داشت. در این باره حکایت زیر شنیدنی است.

سلیمان بن جعفری، از یاران امام رضا(ع) می گوید: «برای انجام برخی کارها خدمت امام(ع) بودم. چون کارم به پایان رسید، خواستم مرخص شوم، ولی امام فرمود: «امشب نزد ما بمان!» سپس همراه امام به خانه ایشان رفتم. هنگام غروب بود و غلامان حضرت مشغول بنایی بودند. امام در میان آنها غریبه ای دید، پرسید: او کیست؟ عرض کردند: کارگر است. به ما کمک می کند و به او چیزی خواهیم داد. امام رضا(ع) پرسید: «مزدش را تعیین کرده اید؟» گفتند: نه! هرچه بدهیم، می پذیرد. امام ناراحت شد. من به حضرت عرض کردم: فدایتان شوم! خود را ناراحت نکنید. امام فرمود: «من بارها به اینها گفته ام هیچ کس را برای کاری نیاورید، مگر آنکه پیش از کار، مزدش را تعیین کنید. کسی که بدون قرار داد و تعیین مزد، کاری انجام دهد، اگر سه برابر مزدش بدهی، باز گمان می کند مزدش را کم داده ای، ولی اگر با او قرارداد ببندی و به مقدار معین شده، پولی به او

بپردازی، از تو خشنود خواهد بود که براساس قرارداد عمل کرده ای و اگر
بیش از مقدار تعیین شده، چیزی به او بدهی، هر چند کم و ناچیز باشد، می
فهمد که بیشتر پرداخته ای و سپاس گزار خواهد بود. [۲۷]»

پی نوشت ها

[۱] محمدرضا محمود و محمد حکیمی، الحیاء، ج ۶، ص ۴۶۸

[۲] حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۸۰۸

[۳] محمد حکیمی، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، صص ۲۲۴ و ۲۲۵

[۴] تحف العقول، ص ۸۰۴

[۵] معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی(ع)، صص ۱۴۳ و ۱۴۴

[۶] شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۷

[۷] نهج البلاغه، حکمت ۷۰

[۸] شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۲۲

[۹] معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی(ع)، صص ۸۳، ۸۸ و ۹۱

[۱۰] محمد حکیمی، فراهایی از سخنان امام رضا(ع)، ج ۱، ص ۶۸

[۱۱] بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۶۰

[۱۲] الحیاء، ج ۶، ص ۱۸۰

[۱۳] شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۷۶

[۱۴] شهید مطهری، پانزده گفتار، صص ۲۵ و ۲۶

[۱۵] محمد رضا حکیمی، کلام جاودانه، صص ۲۴۳ و ۲۴۴

[۱۶] عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۱۳۰

[۱۷] فراهایی از سخنان امام رضا(ع)، ج ۲، ص ۶۹

[۱۸] عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۱۲۶

[۱۹] معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی(ع)، صص ۱۳۷ و ۱۳۹

[۲۰] دکتر حسن سبحانی، اقتصاد کار و نیروی انسانی، صص ۹۲ و ۹۳

[۲۱] عیون اخبار الرضا، ص ۴۱۰

[۲۲] الحیاء، ج ۶، ص ۳۶۷

[۲۳] عیون اخبار الرضا، ص ۴۵۲

[۲۴] بخش هایی از سخنان امام رضا(ع)، ج ۲، صص ۴۶ و ۴۷

[۲۵] شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۴۱۱

[۲۶] فراهایی از سخنان امام رضا(ع)، صص ۹۷ و ۹۸

[۲۷] شهید مطهری، داستان راستان، صص ۱۳۲ و